

مسلمان درجه یک !

ثروتمند بود و قدرتمند، و هم زیبا، معروف بود و مشهور، زنی که قسم خورده بود تسلیم نشود، زنی که با تمام طرافت های زنانه اش در آن روزهای تیره ی عربستان ؛ جسورانه ایستاد و برای آرزوهایش جنگید، زن قدرتمندی که از کسی کمک نگرفت و از نام و اعتبار کسی به شهرت نرسید، ماهرانه مراقب بود تا در اوج اقتدار بر زمین نخورد و زخمی روزگار نشود، زنی که با نگاهی مسلط و کلامی بانفوذ تقدیرش را به سمت رستگاری ادامه داد و با تصمیم بزرگش به مهم ترین معجزه ی تاریخ ؛ رنگ روشنایی و ماندگاری بخشید.

زنی قدرتمند با ذهنی سرشار و توانمندی هایی بسیار از جنس عشق و نور و آرامش که در سخت ترین و غیر قابل تحمل ترین شرایط روزگار به جوانی ۲۵ ساله اعتماد کرد و تمام دنیایش را تغییر داد، هم دنیای شوهرش را و هم جهان خودش را.

زنی قدرتمند که محکم بود و مستقل، شکوفا بود و پویا، خودش برای آرزوهای خودش آستین بالا زد و ادامه دهنده ترین بود در بخشش و جسورترین بود در سخاوت، جنگجوی بزرگی که بی نيزه و بی سلاح و بی شمشیر جنگید و یک تنه تمام خوشبختی جهان را به دست آورد، زنی بی نظیر و متفاوت با تمام زنان پیش از خود که تا اسلام را شناخت و محمد را شناخت ؛ خود را از ثروت و مال و پول خالی کرد و از معرفت و مرام و انسانیت سرشار شد.

خدیجه بی گمان در میان [زنان برتر دنیا](#) به هزار فضیلت و کرامت و نور مزین است، اما آن چه این بانوی آسمانی را بر صدر نشانده ؛ شاید فقط این نیست که چون همسر پیامبر است، که چون مادر فاطمه است، که چون بانویی با کمال و با فضیلت است، اینها هست ؛ اما بالاتر از این هاست خدیجه ی کبری.

زنی ۴۵ ساله بود حدودا که به جوانی ۲۵ ساله اعتماد کرد و او را برای تجارتی مهم روانه ی شهری دور ساخت، وقتی برگشت و سود سرشار تجارت را برای خدیجه آورد ؛ مهرش را نیز بر قلب خدیجه نشانده و او را برای یک زندگی مشترک زیر سقف عالم هستی راغب کرد، و آن گاه خدیجه تمام آن چه را که داشت یک جا و بی منت و برای اقتدار اسلام به پای محمد ریخت، تمام ثروتش را برای مسلمان شدنش هدیه داد، اسلام آورد ؛ اما بخشید، مسلمان شد اما سخاوت کرد، به آیین

جوانمردان درآمد و در عین حال پیشه های جوانمردی را رعایت کرد.
و اگر خدیجه این چنین بزرگ مانده و مقتدر و ماندگار ؛ برای
سختی بود. برای بخشش بود. برای انفاقش بود.
و کیست مسلمان واقعی که ثروتش را چنین شکوهمندانه در راه آرمان
هایش ببخشد و این سان بزرگ و قوی از مالش بگذرد ؟
مسلمانی به سجاده و مهر و تسبیح و طواف و ریش نیست. که اگر بود
آیین محمد این سان ماندگار نمی شد.
مسلمانی را از خدیجه بیاموزیم که در بخشش و سخاوت چنان کرد که
هزار حاتم طایی در پیشگاهش سر به زیر دارند و به احترام این
بخشایشگر مقتدر کلاه از سر بر میدارند.

جعفر بخشی بی نیاز